

دیوار مهربانی را که خاطراتان هست؟ حالا یک فرد خلاق پیدا شده که چنین چیزی را برای مغازه‌های مختلف طراحی کرده است. اسمش را نگفت. راستش ما هم اصرار نکردیم، چون تأکید کرد که «اگر نام و نشان می‌خواهید، حرف نمی‌زنم.» گویی گمنامی، معامله او بود با امام‌زمانش. نخواستیم معامله شیرینشان را به هم بزنیم. این جوان که از بچه محله‌های امام‌رضا(ع) است، می‌گوید: «چند سال پیش کتاب «آن سوی مرگ» را که خواندم، حالم خیلی خراب شد. چند روز به‌هم ریخته بودم و گریه‌می‌کردم. دوست داشتم کار خیری انجام بدهم که آثارش ماندگار باشد، نه اینکه مثلاً به یک نیازمند کمک کنم و تمام. دوست داشتم ادامه دار باشد. روز عید نوروز پیاده راه افتادم به سمت حرم امام‌رضا(ع) تا سلامی بدهم

و برگردم. در همان مسیر، آقا امام‌رضا(ع) این ایده را به من هدیه دادند. آن‌را نذر مهر مهدوی کردم تا هم کار خیری کرده باشم و هم فرهنگ مهربانی را نشر دهم.» بچه‌های خیری به «مهر مهدوی» به نام امام‌زمان(عج) و از طرف ایشان کار خیری می‌کنند و دست خلق ... را می‌گیرند. چون می‌خواهند کاری کنند که نام حضرت مهدی(عج) مساوی شود با کار خوب. ایده این جوان با صفا بسیار جذاب است. صاحب‌مغازه یک تخته با طراحی زیبا به دیوار مغازه‌اش می‌آویزد. هر کس خواست کار خیری کند، مبلغی را کارت می‌کشد و رسیدش را روی این تخته قرار می‌دهد. فرد نیازمند هم رسید را از روی تخته برمی‌دارد و به مغازه‌دار می‌دهد تا کارش را بيفتند. این تخته را در هر مغازه‌ای با هر خدماتی می‌توانید نصب کنید.



خانواده‌ها از نگرانی‌هایشان درباره تک‌فرزندی می‌گویند

تک‌فرزندی، تنهایی بی‌انتها!

زوج جوان دهه شصتی با پنج فرزند به دغدغه‌های خانواده‌های کم جمعیت پاسخ می‌دهند

● سختی‌های شیرین

با همه این اوصاف، حسین ابراهیمی و همسرش، نرگس سلمان رودمجمعنی که هر دو فعال فرهنگی هستند و با کمتر از چهل سال سن، پنج فرزند دارند، معتقدند: «این‌طور نیست که کسی از بچه‌داشتن بدش بیاید. نکته اینجاست که هر ارزش، امتیاز یا لذتی در این دنیا همراه با سختی‌هایی است. از جمله بچه‌داری که برخی حاضر نیستند با وجود شیرینی و برکات فراوانش سختی‌های آن را به جان بخرند. فرزندان نعمت‌های خدا هستند و حضور هر فرزند در زندگی، برکات و زیبایی‌های خود را دارد که این دست والدین از آن غافل هستند. در کشورهای غربی نیز خانواده‌های پرجمعیت را شاهد هستیم، حتی خانواده‌های به اصطلاح با فرهنگ یاسلطنتی، خودشان فرزندآوری را ترویج و به آن افتخار می‌کنند، اما برای ما نگهداری حیوانات به جای بچه را از طریق سلب‌ریتی‌ها دامن می‌زنند،

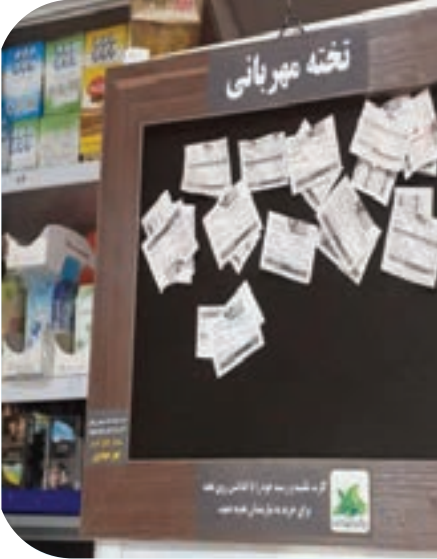
● دنبال کار درست باشیم، نه حرف و نگاه مردم

نکاتی را که این دو مادر تک‌فرزند بیان می‌کنند، با حسین ابراهیمی و همسرش در میان می‌گذاریم. حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی در نقد صحبت‌های الهه‌خانم درباره وجهه اجتماعی چندفرزندی در جامعه، می‌گوید: «فرهنگ جامعه را که چه چیزی خوب یا بد باشد، خود ما می‌سازیم. باید ببینیم چه چیزی درست و مفید است و همان را ترویج کنیم، نه اینکه با اشتباهات دیگران تقلید کنیم. بیشتر مردم پیرو جو غالب، مد و... هستند، نه استدلال و تفکر و انتخاب درست، مثل حکایت ملا و فرزندش که بچه را سوار الاغ کرده بود و می‌رفت، ولی مردم سرزنش کردند که چرا خودش پیاده می‌رود. در نتیجه خودش سوار شد و بچه پیاده می‌آمد. باز گفتند چه پدر ظالمی! دونفری سوار شدند، مردم گفتند چه انسان‌های ظالمی هستند که دونفره سوار الاغ بیچاره شده‌اند! هر دو پیاده شدند، ولی باز هم گفتند این‌ها چه بی‌عقل هستند که با وجود الاغ، پیاده می‌روند! این حکایت به خوبی نشان می‌دهد که باید دنبال کار درست باشیم، نه حرف مردم که همیشه و در هر حالتی وجود دارد. همین مردم کسانی را که با فکر و اندیشه تصمیم می‌گیرند، عمل می‌کنند و موفق می‌شوند، تحسین می‌کنند. اصولاً تصمیم‌گیری بر اساس نگاه و پسند مردم (اکثریت)، اندیشه‌ما را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا ما برای خودمان و اهدافمان که رسیدن به نیکی‌ها و سعادت است، زندگی می‌کنیم، نه برای خوشایند مردم. بنابراین، عاقلانه نیست که اهداف و علاقه‌مان را به خاطر مردم زیر پا بگذاریم. ممکن است مردم از شغل، لباس، همسر، خانه، خودرو و کلاً فکر و علایق ما خوششان نیاید. آیا در این وضع باید همه این‌ها را مطابق میل مردم تغییر دهیم؟!»

● بچه سالم هرگز از نبود خواهر و برادر خوش‌حال نمی‌شود ● بگفته‌او، طبیعی است که انسان گاهی برای تحمل وضع موجود، دنبال نکات مثبت آن می‌گردد، اما نکته این است که اگر وضع موجود اشتباه است، نباید به آن راضی باشیم و آن را ادامه دهیم. همه کارشناسان و صاحب‌نظران بر اینکه بچه‌هایی که تنها بزرگ می‌شوند، رشد کافی ندارند و گرفتار کمبودها و آسیب‌هایی

66

رزق مخصوص داشتن هر فرزند، به این نیست که ما در خودمان ببینیم توان اقتصادی داریم یا نه، بلکه بدین معناست که والدین با یقین به این وعده الهی اهل تلاش باشند و در زمینه معیشت کاری را که از دستشان برمی‌آید، انجام دهند. آنگاه است که روزی بچه با آن‌ها همراه می‌شود و آن‌را می‌بینند



می‌شوند، اتفاق نظر دارند. یک بچه سالم از هر لحاظ، هرگز از تنهایی و نداشتن خواهر و برادر استقبال نمی‌کند و نباید این حرف‌ها را جلدی گرفت. حتماً در آینده نظر دختر فرشته‌خانم تغییر خواهد کرد.

● بچه‌هایی که مایه افتخار شده‌اند

این پدر جوان در زمینه دغدغه‌های تربیتی که هر دو خانم بیان کردند، یادآور می‌شود: «هر چیزی راهی دارد. مسیر رشد انسان معمولاً با چالش‌ها و دشواری‌هایی همراه است که سبب ترس اومی‌شود و احتمال شکست هم دارد؛ اما اگر این گونه بود که انسان به دلیل ترس یا احتمال موفق نشدن، در مسیر رشد قدم نگذارد، تاکنون هیچ فرد موفق‌ی وجود نمی‌داشت. برای تربیت فرزند نیز در عین سخت به نظر رسیدن آن، راه‌های بسیاری وجود دارد و مهم‌ترین نکته در این باره این است که در حد توانمان تلاش کنیم؛ زیرا خداوند قول داده است اگر کسی به اندازه کافی سعی کند، خودش آن سعی را تکمیل می‌کند و اینجاست که برکات و معجزات الهی را خواهیم دید. در اوضاع تربیتی نگران‌کننده همین عصر و نسل، کم نیستند بچه‌هایی که با صفات انسانی پرورش یافته‌اند و مایه افتخار خانواده‌شان هستند.»

● توجه متعادل به فرزندان در خانواده‌های پرفرزند

در بخشی از این گزارش، الهه‌خانم به تیپ شخصیتی‌اش اشاره کرد که او همواره مادری حواس جمع و جزئی‌نگر است و دوست دارد همه چیز روی نظم و روال خودش پیش‌برود و تربیت فرزندش را غیر آن چیزی که خودش می‌خواهد نشود، به هم می‌ریزد و... به همین دلیل هم ترجیح می‌دهد یک فرزند داشته باشد تا وقت بیشتری برای تربیتش بگذارد.

او ادامه می‌دهد: «اتفاقاً والدین حساس و جزئی‌نگر با دقتی که دارند، می‌توانند بچه‌های بیشتر و بهتری تربیت کنند. در خانواده‌های پرجمعیت، بچه‌ها با هم رقیق و برای هم شادی‌آفرین و لذت‌بخش هستند، همیشه هم بازی دارند و دعو‌ها و دوستی‌هایشان در خانواده سبب رشد شخصیتی و آمادگی‌شان برای حضور در اجتماع می‌شود. به طور کلی، چه در خانواده‌های تک‌فرزند و چه پرفرزند، توجه والدین به بچه‌ها باید مدیریت شود، چرا که کم و زیاد آن هر دو مضر است. در واقع، از خوبی‌ها و مزایای خانواده‌های

پرجمعیت، تعدیل و مدیریت این توجه است،

● تمرین مهارت‌های فردی و اجتماعی در خانواده‌های پرفرزند ● خانم نرگس سلمان رودمجمعنی مادر پنج فرزند است، او در شبکه‌های اجتماعی، با روایت‌های جذاب، لحظه‌های مادری را برای ۲۰ هزار مخاطبش از ایران و کشورهای مختلف به اشتراک می‌گذارد. او معتقد است: «چون از روزگار آبا و اجدادی‌مان که تعداد فرزندان، عادی و معمول بود، فاصله گرفته‌ایم، حالا این امر برایمان افسانه شده است و خانواده‌های پرجمعیت برایمان عجیب به نظر می‌آیند. در حالی‌که بچه‌داری، نیاز فطری و طبیعی انسان است و باید سختی‌ها و زیبایی‌ها و شیرینی‌های زندگی را در کنار هم دید. اینکه والدین پرفرزند به تربیت اهمیت نمی‌دهند، اصلاً درست نیست. اگر بچه اول را خوب تربیت کنیم، با توجه به اینکه بچه‌های بعدی او را الگو قرار می‌دهند، نیاز نیست زمانی را که برای فرزند اول گذاشته‌ایم، برای تک‌تک بچه‌ها تکرار کنیم، بلکه اتفاقاً چون بچه‌ها در خانواده‌های پرفرزند، داوطلبانه نقش می‌پذیرند، با تمرین مسئولیت‌پذیری، ناخودآگاه برای اجتماعی شدن و مهارت‌های زندگی آموزش می‌بینند و زودتر به استقلال و آمادگی برای تشکیل زندگی می‌رسند،»

● اگر مشکل مالی مانع فرزندآوری است، چرا مرفه‌ها فرزندان کمتری دارند

این مادر که تجربه‌های شیرین زیادی از تربیت پنج فرزندش دارد، در پاسخ به حرف‌های فرشته‌خانم مشکل مالی را عاملی قانع‌کننده برای فرزندنیاروند نمی‌داند. اومی‌گوید: «قرآن کریم تأکید می‌کند که فرزندانمان را از ترس فقر نکشید یا از بین نبرید، چرا که خداوند روزی رسان است. بنابراین، اینکه می‌گوییم اعتقاد داریم هر بچه‌ای روزی خودش می‌آورد، اما خلاف آن عمل می‌کنیم و از فرزندآوری می‌ترسیم، نشان می‌دهد که در واقع به این اصل معتقد نیستیم. رزق مخصوص داشتن هر فرزند، به این نیست که ما در خودمان ببینیم توان اقتصادی داریم یا نه، بلکه بدین معناست که والدین با یقین به این وعده الهی تلاش باشند و در زمینه معیشت کاری را که از دستشان برمی‌آید، انجام دهند.

آنگاه است که روزی بچه با آن‌ها همراه می‌شود و آن را می‌بینند. از سوی دیگر، انتظارات و توقعات ما بزرگ‌ترها از زندگی، در بسیاری موارد، زیاد و خارج از محدوده ضروریات است که با تعدیل آن خیلی راحت‌تر و شیرین‌تر می‌شود زندگی کرد. همسر به عنوان پدر پنج فرزند با شغل معلمی و زندگی طلبگی، تاکنون هیچ وام و تسهیلاتی استفاده نکرده و اصولاً به امید حمایت مسئولان بچه‌دار نشده‌ایم. سخت‌ترین مشکل‌مان هم فقط شکل معماری خانه‌های امروزی است که حیاط ندارد. اگر واقعاً مشکلات مالی مانع فرزندآوری بود، خانواده‌های مرفه باید بیشترین تعداد فرزندان را می‌داشتند، در حالی‌که می‌بینیم این گونه نیست. حتی مشکل ازدواج جوانان هم بیش از آنکه اقتصادی باشد، فرهنگی است و با کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های دست‌وپاگیر، آسان می‌شود.»

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می‌کند
برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها: آدمیزاد به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه‌که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به، چشم‌تان روشن، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی بیندازید. کوچیک یا بزرگ، فرقی نمی‌کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک هم دیگر، حس خوب زندگی را با هم‌شهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه‌ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ - پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

گاهی فراموش می‌کنیم

گاهی ما آدم‌ها فراموش می‌کنیم برای چه چیزی خلق شده‌ایم و چه تکلیفی برعهده ما به عنوان انسان (یا همان اشرف مخلوقات) گذاشته شده است. امروز بسیاری از ما آن قدر گرفتار معیشت و دغدغه‌های زندگی و امور جاری هستیم که از مسائل اساسی و مواردی که اصل خلقت و دلیل حضور و بروز ما را فراهم کرده‌است، غافل شده‌ایم. به راستی مگر نه این است که به قول مشهور و معروف، «آدمی را آدمیت لازم است»، پس چگونه می‌شود همه به دنبال زندگی شخصی خود با سرعت در حال تلاش و حرکت باشیم و فراموش کنیم در اطراف ما چه می‌گذرد. چه کسی به کمک ما نیاز دارد، همسایه ما چه وضعیتی دارد، آیا خواهر و برادر ما مشکلی دارند که بتوانیم در حل آن کمک کنیم و ... با این روند، چه بلایی بر سر انسانیت و شاخص‌های تفاوت آدمی با سایر موجودات می‌آید؟! ● توجه می‌کنیم

شاید بعد از خواندن همین مقدمه کوتاه، فوری با خودتان بگویید امروز سبک زندگی فرق کرده است، گرفتاری‌ها و دغدغه‌ها افزایش یافته‌است و هر کسی آن قدر برای خودش مشکلات و مسائل پیچیده دارد که فرصتی برای رسیدگی به امور دیگران و احوالپرسی، صله‌رحم، خلقت و کمک به دیگران ندارد. بخشی از این موارد کاملاً درست و منطقی به نظر می‌رسد. اما باید این واقعیت را نیز پذیرفت که بخش زیادی از آن هم توجه کردن کم‌کاری و تنبلی است. هنوز افراد زیادی هستند که با وجود همه محدودیت‌ها، کمبودها و گرفتاری‌ها، علاوه بر تلاش برای تأمین نیازهای اساسی خود و خانواده‌شان، به سایر موارد مهم از جمله امور معنوی، سلامت، ورزش و تفریح، صله‌رحم و کمک به دیگران می‌پردازند و زندگی‌شان را با این موارد همراه کرده‌اند. پس قاعدتاً این موضوع مهم، ممکن ضروری است.

● دوگانه‌سازی‌های بی‌اساس

شاید دل‌بخش عمده‌ای از کم‌کاری‌هایی که ذکر شد و در عرصه مسئولیت‌پذیری، تعلق و احترام متقابل و زندگی اجتماعی رخ می‌دهد، دوگانه‌سازی‌های بی‌اساسی است که مودت و دوستی را از بین می‌برد و روحیه هم‌گرایی و وحدت عمومی را تضعیف می‌کند. آبی و قرمز، اصول گرا و اصلاح‌طلب، چپ و راست، مذهبی و غیرمذهبی، دولتی و خصوصی و... تنها مصادیق کوچکی از این دوگانه‌سازی‌هاست. نگاهی دقیق‌تر به اطراف و انگاف خود و آنچه میان اعضا و گروه‌های خانوادگی، آشنایان یا رفقای شما می‌گذرد، ببیندازید تا به این موضوع بیشتر پی ببرید. حالا به این موارد را در سطحی کلی‌تر در جامعه توجه کنید تا ببینید چقدر دایره اطراف ما کوچک شده است و تاچه میزان دامنه خودی‌های ما به مرور زمان کوچک و کوچک‌تر شده‌است.

● بر مدار انسانیت و دوستی

اگر می‌خواهیم عمر ما با برکت باشد، بیشتر از زندگی لذت ببریم و در عین حال به تکلیف انسانی‌مان نیز عمل کرده باشیم، باید بر مدار انسانیت و دوستی تفکر و رفتار کنیم. برعکس برخی رفتارهای افراطی و تفریطی که در جامعه به چشم می‌خورد، اگر نگاهی دقیق‌تر به سیره پیامبر اعظم (ص) و معصومان (ع) ببیندازیم، به خوبی در خواهیم یافت که هرگونه رفتار انتقامی، تلافی‌جویانه یا از سر کینه و دشمنی که در دامن منطق اخلاقی و انسانی است، باور کنیم جواب کلوخ انداز، سنگ نیست و نباید هر بدی ظالمی را که فردی آگاهانه یا غیرآگاهانه در حق ما انجام داد، بلافاصله با سرعت و شدت بیشتر پاسخ دهیم. در غیر این صورت، چرخه رفتارهای ناصحیح و نامطلوب هیچ‌گاه انتهایی نخواهد داشت و گروه‌های آدمی نمی‌توانند از زندگی اجتماعی در کنار یکدیگر راضی باشند و لذت ببرند.

● جور دیگر

باید جور دیگر به مسائل نگاه کنیم و سبک زندگی‌مان را تغییر دهیم. درست است که در عصر صنعتی و فراصنعتی بسیاری از مناسبات انسانی و نحوه تعامل گروه‌های بشری تغییر یافته‌است، ولی همه این موارد دلیل نمی‌شود که «انسانیت و دوستی» به فراموشی سپرده شود. همین واژگان که شاید فکر کنیم ساده هستند و ابعاد مختلف آن را می‌شناسیم، در واقع مسائلی مهم و پیچیده هستند که جایگاه واقعی انسان در نظام خلقت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید از فرصت کوتاه زندگی برای توسعه مکارم اخلاقی، انسانیت، محبت، دوستی و عشق‌ورزی استفاده کنیم و همواره خدا را بر رفتار و کردار خود ناظر و شاهد ببینیم. شاید این چند سطر یابانی در نگاه برخی‌ها شعارگونه و کلیشه‌ای به نظر بیاید، ولی چه می‌شود گفت وقتی متأسفانه همین موارد به ظاهر کلیشه‌ای، حلقه گم‌شده کارکرد زندگی امروز انسان هاست.

